



شنبه سرخ تهران خروش خشم و انزجار علیه حزب حاکم!

مردم و نیروهای انقلابی و مبارزانهای پرتله از خمی بود. غنچه محبه های سر - نکوهی از مقاومت فهريما به نیروهان انقلابی در سراسر کوب اما رگسيحه رژیم جمهوری اسلامی و حمایت سديرخ و فداکارانه، مردم از فرزندان انقلابی خویش بود.

نظا هرات اعراضی و درگیریها از حدود ساعت ۴ بعد از ظهر آغاز شد. جمعیت بسیار زیادی از میدان مردوسی تا چهار راه محمدی بطور پراکنده پانسانه بودند. هر چه زمان میگذشت براسوهی جمعیت بقیه در صفحه ۲

• کرارشی از نظا هرات اعراضی و وسیع نیروهای انقلابی در روز شنبه ۳۰ خرداد در تهران

روز شنبه، شهر تهران سراسر بر فراز اعراض و خشم و بیعت مردم در مقابل جنایات تکان دهنده، اوباشان غرق در سلاح سرد و گرم حزب جمهوری، در جنبایا سها بود. شنبه، روزی که رگها را منگولهای رژیم، روزی که رگهای خویش، مخرهای منگولسی نده، سینه های دریده، اردشنه، بظا هرات - کسندکان، سنگفرش های آلوده به خورن

برای هموار کردن راه سلطه استبداد

سیاه

بنی صدر را برکنار کردند

با صدور حکم عدم کفایت سیاسی بنی صدر در مجلس، که با تائید آیت الله خمینی رسماً قطعیست یافت همچنین با صدور حکم دستگیری وی اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران از مقام خود عزل شد.

به این ترتیب طاهرا حزب جمهوری موفق شد با اجرای مرحله اول برنامه های که هدف اساسی آن سرکوب خلق و نیروهای انقلابی است، جنبای خویش را راه برای پیمودن کامهای بعدی هموارتر سازد. حزب جمهوری از مدتها پیش دریا فتنه بود برای اینکه بتواند بر تانمه سرکوب خلق و نیروهای انقلابی را بطور کامل و سرعت عملی وارد، قبل از هر چیز تانزه ایس دارد که مخالفان خود را از حکومت حذف کند. سرکوب همه جانبه و فیا طر حرکتات اعتراضی کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در شرايطی که جامعه با یکبهران عمیق اقتصادی - اجتماعي و بروست، بدون یک قدرت متمرکز سرکوبگر با ممکن بقیه در صفحه ۶

گشتار زندانیان سیاسی، جنایتبارترین حربه حکومت های ضد خلقی و ورشکسته

سعید سلطانپور، هنرمند و شاعر انقلابی و محسن فاضل، مبارز قدیمی و همزم خلق فلسطین، جزو قربانیان جنایت دهشتنار رژیم هستند.

اعلام کرده بود هر کس در نظا هرات حیایانی دستگیر شود "مفسد و معاربه" شناخته می شود، با اعدام ۱۵ نفر از دستگیر شدگان در فردای "شنبه سرخ تهران" ۸ تن دیگر نشان داد که در بفا کیه دهمشی و گلشن بقیه در صفحه ۴

• عمال رژیم با جان شناب و وحشت جنایتکارانه ای، انقلابیون را به حوجه اعدام میگردانند که حتی ام تعدادی از آنها را نیز میزدند.

رژیم جمهوری اسلامی که طی اطلاعیه ای

گیلان: تظاهرات اعتراضی نیروهای انقلابی و حمایت ستایش انگیز مردم

نظا هرات فهريما تانها کارگران شهر - صنعتی البر در فرورین را درج کردیم و اینک گزارشاتی از مقاومت و نظا هرات اعتراضی علیه موج جنایت و وحشتگری ارادل حزبی در بعضی شهرهای گیلان را میخوانیم:

لنگرود روز جمعه ۲۲ خرداد در نظا هراتی در اعتراض به موج جدید سرکوب حزب از سوی نیروهای انقلابی شکل گرفت. جمعیت مفداری از راه راه پیموده بودند که با حمله تعدادی جماعتار "حزب الهی" روسو شدند. سها به تاران نیز به حمایت از بقیه در صفحه ۵

در دو هفته گذشته، این سها بهران نبود که در سراسر بر سوطه جدید رژیم و خروش سراسری و سرکوبگرانه حزب مدردوسی جمهوری اسلامی دست به مقاومت و بسی فبرما تانها برد. در شهر سها نهایی کشور نیز نیروهای انقلابی با حمایت رود افزون مردم معترض و خشمگین در مقابل موج فساد رگسيحه احتیاق، جنایه های تار با بیداری آفریدند. در مقابل، حزب نیز که خود را با موج خشم و نفرت توده های مردم روسو میزدیم، عواجل خود را هر چه لجام کسيحه تریه حیا با تانها ریخت و حمایتی تکان دهنده آفرید. مادر "راه کارگر" شمار ۲۹۰، خبر بخون کشیدند

شنبه خونین تهران شکاف پرناسدنی میان توده ها و رژیم را عمیق تر ساخت

شنبه، خویش ۳۰ خرداد، تهران خا هرات تان سرکوب ها را و فساد رگسيحه ای بود که صحنه های تکان دهنده و هولناک آن سلیمانان مدتها از خاطره مردم تهران محو نخواهد شد. در ایسروز، با تاران، ماموین کسيحه ها، بسج، جهاد، ... و ساجد، ارادل جماعتار حزب الهی، خواههران زینب و خلاصه همه، مزدوران حزب جمهوری اسلامی، برای سرکوب نظا هر کسندگان انقلابی و مردمی که ما لامل از خشم و بقیه در صفحه ۴

با خرمیم! اسناد اساه حزب حاکم را درهم بشکنیم

شنبه سرخ تهران

افزوده میشد. نزدیک ساعت ۴ جمعیتی که در چهار راه مصدق بود فشرده تر گشت و ناگهان فریاد یکباره مرگ بر بیهوشی فضا را شکافت. نظا هر کسندگان با سرعتی بی نظیر متکثر شدند. بخشی از افراد ایستاده در کنار پمپا ده روها نیز به جمع پیوسته و حرکت را آغاز کردند. شعارها شایع که از جمعیت بر میخاست چنین بود: زنده باد آزادی مرگ بر استبداد. بیهوشی را جاسی خلق آمده کجایی - زندانی سراسی آزاد با بد کرده. حزب چمقا ق بدندان با بیدر گورستان. صف نظا هرات از مصدق بسمت طالقانی پیچیده و تمامی عرض خیابان را اشغال کرده بود و انتهای صف هنوز در چهار راه مصدق بود. در این فاصله حزب اللهی ها به جمعیت پیوسته و آوردند که در همان لحظه اول تا کام شدند. زنی ۴۰ - ۴۵ ساله با چشمهای اشک آلود از تنب خوالی می گفت: "حای همه خالی. محکم زدیم توی گوش فالانها! تا کی مینزیم. جمعیت نظا هر کسند - همه را به شور آورده بود. مردم در پیاده روها و از بالای ساختمانها و اداره ها دستها را تکان داده و همراهی خود را اعلام میکردند. غریبها را هم با خیابان را بیوتانده بود. جمعیت دستها را بشانه اتحاد در هم گره کرده و مرگ بر حزب را فریاد میدزد.

هنگام عبور از جاسوسخانه، عساکر مرگ بر آمریکا و مرگ بر بیهوشی بلند و بلندتر شد. ما هم با بان شما میدادند: "مردم ما ملحق شو بد حزب چمقا ق را نکنید. یک مرد کارمند از میان نظا صر کنندگان به مردمی که با خمین و اهیما بان را نگاه میکردند میگفت: "بیا شید وسط همه بالاخره میدان کشیده میشوند. بیا شید. "و این تنها نمونه ای از روحیه و شور مردم بود. مردم در بعضی نقاط جماعت داران موتور سواری را از موتورهایشان بزرگ می کشیدند به همین جهت جماعت داران جرئت ورود به این خیابان را پیدا نمی کردند. در طول مسیر بعضی ها روی دیوارها را می نوشتند: جمعیت پس از طی خیابان بهار قدم به خیابان انقلاب گذاشت. مردم می گفتند: "گروهک ها را ببینید تا بحال گروهکی به این عظمت دیده اید؟" غریب مردم با سوت و دست زدن همراه با تشدید شعارها برخاست. ابتدای صف به میدان فردوسی رسید. او با شان مزدور، پاسداران و کمیته جی ها که در خیابان فردوسی جنوبی موضع گرفته بودند تیراندازی بسوی جمعیت را آغاز کردند. لحظه های خونین میدان زاله بار دیگر تکرار می شد. پاسداران همچون آدمکشان ارتش شاه جلاد در روزهای تیرا مردیف اول نظا هر کنندگان را به رگبار بستند. تیر خورده ها بر زمین افتادند. جمعیت به دفاع برای

مقابله به سمت خیابانهای اطراف عقب نشستند. در خیابان فردوسی شمالی نظا هر کسندگان بیجا طرد را مان ماندن از کلوله های پاسداران، ماشین های سفاک و تا نگر نرفت کنار ریمپ بنزین را به وسط خیابان آورده و در پشت آن پناه گرفتند. و با سنگ حمله دلاورانه خود را بسوی پاسداران مسلح آغاز کردند. رگبار یک لحظه قطع نمیشد. دودگاز شک آورده را سفید کرده بود. سرکه و پنبه دست بدست میگشت گلوله های یکی پس از دیگری با ران، کمر، شکم و سروسینه فرزندان انقلابی را می درید. هر لحظه بر تعداد زخمی ها اضافه میشد. زخمهای تعدادی از مجروحین عمیق و امید به زنده ماندن آنها ناچیز بود. مغزی مثلثی شده در میدان فردوسی به ما مانده بود. دختر ۱۴ ساله ای از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت. در یک لحظه خون اطراف او را فرا گرفت و مردم یک چشمش سفید شد. او در همان لحظه اول شهید گردید بدین حال او نیکم پیری در شده شد. گلوله ای از پشت گردن دختری گذشت و هر دو شهید گشتند. گلوله پشت گلوله می آمد. یکی از چشم پیری عبور کرد خون از چشمش چون آفتقانی از ختم میزون زد. دستها و لبها سیاه شده غرق در خون شده بود. جماعت داران که اکنون مسلح بودند زیر چتر آتش پاسداران جرئت کرده و وارد صحنه میشدند. یکنفر حزب - اللهی دوزان تروی زمین نشسته و با کلت نظا هر کسندگان را نشانه رفته بود. درگیری به خیابانهای اطراف کشیده شده بود. زخمی ها بر روی دست حمل میشد و همه نشانه از کینه و نفرت شعار میدادند "این سند جنایت بیهوشی است" - "دولت جنایت میکند مجلس حمایت میکند" در تقاطع مصدق - انقلاب تیر به پاسا زوی راست جوان ۱۹ ساله ای اصابت کرده و گوشت پوست و استخوان را مثلثی کرده بود بخشی از زخمی ها به بیمارستان فیروزگر منتقل میشدند. عده ای با سر و صورت خونین بلاکار در دست در خیابانها می گشتند و خمیره خون کشیده شدن میدان فردوسی را به مردم میدادند. بیمارستان امیرا علم، اعلام کرده بود که دیگر جایی زخمی ندارد. مردم زخمی را در دسته دسته به خانه های خود می بردند و عسده ای مجروحینی را که زخمشان عمیق بود با ماشینهای خود به بیمارستانها می بردند مردم از کجک به فرزندان انقلابی خود دریغ نداشتند. خیابانها حالتی کاملاً جنگ زده داشت. کف خیابانها جابجاء قطره های خون و تکه های لباسهای حونی بود. مردم میگفتند: "قطع از جان گذشته هاشنومیدان شوندند." در تقاطع خیابان حافظ - انقلاب زنی در حالی که چشمانش پر از اشک بود همچنان برای بقیه صحت میکرد: "با پول خود منون فشنگ میخرم و توی سینه جوانهای خودمان میزنم." زن دیگری میگفت: "اون گور بگورنده که این کارها را میکند

مردم جلویش و ایستادن. حالها با بیدر ایستاد و مثل شاه در میان ایستاد سلام؟ یک مرد کارگر میگفت: هر که میخواهد بفهمه او را بخواه احوال چه با بد حرفای حالی خمینی رو با حرفاش خوبا ریس مقایسه نکنه ایستاد هیچ دردی از دردهای مردم را دوانگرده اند. طرفداران سر ما به دارا هستند و زخمکشها و طرفداران آنها را میکشد. در خیابان مصدق مردم در درگاهای غانه ها به صحبت پرداخته بودند که ناگهان چند ماشین پرازا پاسداران سرعت زیاده جمعیت نزدیک شده و پشت شروع به تیراندازی کردند. آنها حتی صرف ایستادن مردم و گفتگوی آنها را با هم تحمل نمی کردند. مردمی نسالی میگفت: "اینها میخواهند ما را بر پرور خانه ها بمان بفرستند تا با خیال راحت جواسها را بکشند. ولی ما همینجا خواهیم ماند. اول خیابان ایران شهر از ساختمانهای شعاری بر علیه حزب دادند. او با ش چماق داران ریشه های ساختمان را شکستند و پس از آن پاسداران به تیراندازی شروع کرده و همه سکنه خانه را بزرگتک بیرون کشیده و با خود بردند و نشان دادند که مردم حتی در خانه های خود هم در اسان نخواهند بود. از این عمل پاسداران خون به چشمان مردم دیده بود و ذره ذره وجودشان معلوا زلفت و انزاجا ر شده بود. پاسداران در میدان فردوسی شروع به تیراندازی در پیاده روها نمودند و ساجوی سینما رویال دنبال مردم گریه و آنها را با فنداق تفنگ - کمر بستند - فانونه و غیره مورد ضرب و شتم قرار دادند. آنها با تارنک و اردمفا زهای با زدن نزدیک میدان فردوسی نده و دنبال نظا هر کنندگان می گشتند. در خیابان فاطمی داخل ماشینها را هم سرک میکشیدند. در این فاصله او با ماشینی که گروه گروه از گوشه و کنار شهر بیخنده بودند با انتی و مینی بوسها و موتورها به خیابانهای مرکزی شهر سرازیر میشدند. پاسداران او با ش چماق داران به تعقیب نظا هر کنندگان و مردم تماشاچی در کوچه پس کوچه ها پرداخته و آنان را بزرگتک و سلحه دستگیری کردند. تعداد دستگیریها فوق العاده زیاد بود. جماعت داران به مردم پیاده روها بدقت نگاه کرده به کسانی که نظارتان مشکوک میسیدند حمله کرده و آنها را کشان کشان با خود می بردند. دسته های ۵۰ - ۴۰ نفره جماعت داران در پیاده روها راه افتادند و از مردم میخواستند که کف دست خود را بزنند و اگر میسیدند کف دست کسی خاکسای است با تیغ موکت - سری زخمی ای بی دربی بر کف دست او وارد میکردند. در یکی از پیاده روها، یک دسته حزب اللهی که آخوندی مسلح در پیشتان حرکت میکرد به آزار و اذیت مردم پرداخته بودند. جماعت داران حزب الله "جوار هرگونه حمایتی را از رهبران حزب داشتند. در میدان فردوسی یکی از "خواهران زینت" مسلح پیش چشمان مردم چاقوشی را در شکم ختر چماق هدی فرو برد. زنی پس از دیدن این صحنه از شدت ختم و نفرت فریاد میزد: "۱۷ شهریور شاه بس نبود مگر کردستان بس نمود چرا ایستاد می کشند ما مردم مگر غیرت نداریم؟"

با تمام قوا در برابر موج لجام گسیخته سرکوب حزب جمهوری اسلامی بمقابله برخیزیم

شنبه خونین تهران...

کشتار زندانیان سیاسی...

ایرجا ربه حمایت از نظام هر کجندگسا ن
 سرخا سته بودند، هر آنچه در شان خود -
 انقلابی خود را تشدید می کردند و سرای
 کشتار و آوارگی در شب و احوالی از هیچ
 حمایت رذیلتانه ای فروگذار نمی کردند -
 اما دشمنی که حزب جمهوری اسلامی در
 پناه حمایت روحانیت ها کم ولایت فقیه
 در شمشیر سرخ تهران از خود نشان داد ،
 و حمایت فحیمی که در این روز در گوشه و
 کنار خیابانها و میادین مرکزی تهران
 آفریده شد، قبل از همه، یکبار دیگر خاطره
 سرکوب مدسوحا به حکومت نظامی شاه را
 به یاد مردم بیاورد.

اگر چه رژیم جمهوری اسلامی در
 مناطقی نظیر کردستان که هیچگاه از حمایت
 نوده های مردم برخوردار نشود، از همان
 روزهای پس از قیام، با شقاوت و درنده -
 خویی جوهر خود را آشکار کرده بود، اما بطور
 عمومی در سطح ایران بدلیل آنکه از
 پشتیبانی و اعتماد کما مین وسیع مردم
 برخوردار بود، تزاری به پایتگاری نمی -
 دید. ولی اینک که در چهار رگوشه ایران
 را بر باد رفته می بیند و با روشی عمیق
 کارگران و زحمتکشان را خطری تهدید -
 کننده علیه حاکمیت مدخلی خود می یابد،
 راه حاشی در مقابل خود ندارد مگر
 آنکه به وحشیانه ترین و دردمنا نه ترین
 شیوه ها متوسل شوند و از طریق سرکوب
 حرکات اعتراضی و کشتار وسیع نظامی -
 کشتگان، بر سر حکومت روبرووال خود
 قدم صافی بفرمایند. این سرنویست
 در مقابل پذیر همه حکومتها بی است که
 در مقابل اراده انقلابی نوده هسا
 سنا ده اند. مردم ما یکبار از این عقیقت
 در انقلاب خوبیار سال ۵۷ تجربه
 کرده اند و تاوان سنگ یکبار دیگر علائم اولیه
 تاراکشتار رشنه سرخ تهران چشم
 نویش می بینند. خشونت افکار گسیخته و
 کشتار رسیما بقه کنونی حزب جمهوری
 اسلامی معنای دیگری جز این ندارد :
 رژیم کنونی در انزوا از مردم قرار گرفته
 است و مشروعیت نوده ای خود را از دست
 داده است.

آیا حمایت وسیع مردم از نظام هرات
 نیروهای انقلابی در روزهای اخیر ،
 بهترین دلیل انزوا ی نوده ای رژیم
 جمهوری اسلامی نیست؟ آیا تشویق و
 حسن نظر هر کشتگان ، پناه دادن آنها
 در خانه ها، بدل آب و غذا، برسانیدن
 و جرح و جین به بیمارستانها، و همه آن
 تمکلهایی که در این چند روز شاهد آن
 نوده ایم، خود بهترین نشانه خشم و
 سزا رنوده ها از حاکمیت سرکوب و اختناق
 رژیم کنونی نیست؟
 حزب جمهوری اسلامی که در چند ماه
 گذشته، یکسر آماج نارهای بی روز افزون
 حرکات اعتراضی نوده های مردم قرار
 گرفته است، برای برپا نگه داشتن
 تکوینت سرکوب و اختناق خود فرصت
 پندانی ندارد و به همین دلیل است که
 برای کنترل اوضاع و عومها رنوده ها، پس
 پنهان رگانهای حکومتی خود را بسیج
 کرده است. سردمداران حزبی پرا ی تحقیق
 هدف شوم خود که چیزی جز برقراری
 یا کمیت سیاه استبدادی نیست، قبل از
 همه یعنی سردار که به بزرگترین عامل

رذیلتانه ترین دروغها استنداده عجب کسی
 دارد. رژیم جمهوری اسلامی با اعتماد
 سفید ملطخ نپورشا عروس پوشیده انقلابی و
 عفو ما زمان پر یکجای فدا شوقی (الفین)
 و محسن فاضل عموفا زمان یکجا در راه -
 آزادی طیفه کا رگیر، روی تمام رژیم های
 مد مردم می دروغ گویند سفاک را سفید
 نمود.

رفیق سفید ملطخ نپور ما هما بهترین
 بحر مواهی قا جا ق از زود در مجلس عقیدتی
 دستگیر گردید. از زندانیان سیاسی بود که
 با رها ساختن ما روزه علمیه شاه جلادیه زندان
 رفته بود. رفیق محسن فاضل که یکی از
 انقلابیون قدیمی است، سالها ن دراز علیه
 رژیم پناه جلاد ما روزه نموده و در عملیات انجام
 انقلابی ز سرال بر این آمریکا نسی و در
 عملیات صحت گذار میهننگا مورود نیگسون
 به ایران شرکت داشته و با لها در کنار خلق
 فلسطین علیه صهیونیست ها ایستادگی و
 فائز بیستهای لبنان را جنگیده بود. او در
 اواسط بهمن ماه ۵۹ بوسیله پاداران
 رژیم دستگیر شده بود.

رژیم جمهوری اسلامی بدستال توطئه
 جدیدش علیه تمامای کارگران و زحمتکشان
 و نیروهای انقلابی و کشتار و تشدید تهور
 و سرکوب آشکار و اسلام رسمی حکومت
 نظامی، دور رفیق کمونیست و رزمنده ای را
 که ماه ها پیش دستگیر شده بود، بجوخه
 اعدام سپرد. رژیم که از وحشت میا رزات رو
 بر شد نوده ها، از هر چه قدر تشدید تر شدن
 قطب انقلابی، از پشت کردن هر چه بیشتر
 نوده های مردم به ولایت فقیه و حزب تهرکار
 جمهوری اسلامی بحد می لرزد، چون دیوانگان
 زنجیر گسیخته دست بجای پستی هولناک محمد
 از جنا پستی دیگر زده و ما هیت ضد انقلابیش
 را بس از پیش آشکار نمود. مردم ما عم

چنانکه هرگز نفرشان نسبت به رژیم شاه
 جلاد که ۹ نفر زندانی سیاسی، رفقا بیژن
 جزئی، سفید گلانتری، مطعی، خوتدل و ...
 را در پشت تبه های وین قتل عام کرد،
 پایان نگرفت، مسلما هرگز خشم و کینه شان
 نسبت به رژیم جمهوری اسلامی نیز که دست
 به جنا پست نفر تبار میا رنوده است،
 پایان نخواهد گرفت.
 ربودن و شکنجه و ترور ۴ نفر از نمایندگان
 خلق ترکمن در زندان اوین، ترور

چندین انقلابی دیگر در زندانها و رژیم
 جمهوری اسلامی اکنون ترور رفیق سعید
 ملطخ نپور و محسن فاضل نشان می دهد که
 رژیم جمهوری اسلامی به رذیلتانه ترین شیوه
 های جنا پست که مختص حکومت ها و مدخلی
 و رشکمنه است، متوسل می شود. این صنایات
 و هفتساک و اسلخا شوقی هر چه بیشتر جهیره
 کثیف و فدیتری چون بتکا را نه رژیم
 جمهوری اسلامی بر ملا می سازد.

تیرباران آذرا حمیدی، خلعت رهنما
 و ... چندین دختر انقلابی دیگر بر مجرای
 واهی پور تا با دروغ که تنها جعل و اختراع
 آنها از عهده سرگان جنا بتکا ری چون سر
 دم داران حزب جمهوری اسلامی بر می آید
 چه چیزی جز ورشکستگی کامل ضد انقلاب را
 نشان میدهد؟

رژیم، دختران انقلابی امرا تیرباران
 نموده است که حتی اسم آنها را نمی داند.
 رژیم جنا بتکا را مفرد هتا بجی، علی رضا
 رحمانی و ... را بجوخه اعدام می سپرد، در
 حالیکه بنا به اعتراف خود سردمداران -
 جنا بتکا رژیم، تنها مدت دستگیری و انجام
 آنها فقط چندین ساعت طول کشیده است.
 حکمها یا اعدام چند دقیقه ای چه چیزی را به
 انبیا ت می رساند؟ حکما اعدام برای شرکت
 در تظا هرات، چه واقعیتی را به ثبوت می -
 رساند؟ آنهم در رژیمی که هزاران ساواکی
 جلاد و آدمکش را نه تنها بختود بلکه اضا ف
 حقوق تقدیم آنها کرد.

این جنا پست نشان میدهد که هیچکس
 در جمهوری اسلامی حاکمیت ولایت فقیه
 نمی تواند در مان باشد، اگر کو چکترین
 دلیستگویی به اردوی انقلاب و کارگران
 و زحمتکشان بحرمود داشته باشد.
 مردم قهرمان ایران!

چنین جنا پستی در هیچ قانسون و
 قا عده ای جز در قاموس حیوانی ترین و عد
 انقلابی ترین رژیمها نمیگنجد. صدای
 اعتراض خود را بهر نحو که شده، علیه این
 جنا پست آشکارا بلند نمائید. هر چه وسیعتر
 این جنا پست هولناک را افشا کنید و رسا
 گسترده تر کردن اعتراضی خود نسبت به این
 جنا پست، مانع اعدام موکشتا ر زندانیان
 قهرمان دیگری شود که هم بتک سا طور
 جنا پست ولایت فقیه، سا لایمرشان آویزان
 است.

از بهترین فرزندان انقلابی خلق ما را
 بحرم شرکت در تظا هرات، پس از چند
 دقیقه محاکمه فرما پستی بحرم "یا غی،
 مفسد و محاربت به جوخه اعدام سپرده است.
 در کنار همه، این فجا بیع جنا بتکا را سه،
 حزب جمهوری اسلامی بگ آن از دروغ -
 بردار زبهای و قضا نه در دادیو تلویزیون
 و مطبوعات، از حواس زبهای رذیلتانه است.
 بوسیله مجلس شورای اسلامی ندا شده است.
 آنها پس از شنبه، خوشین ۳۰ خرداد همه
 تریبونهای خود را بکار گرفتند تا چنین
 وانمود کنند که گویا چما قداران حزب -
 الهی، بیدها عو مطلوم، در معرض تیراندازی
 و چا فوکشی مجاهدین و کمونیستها قرار
 داشته اند و گویا شهدای شنبه سرخ از
 افراد سیاه، بسیج، خواهران زینب و اراذل -
 چما قدار بوده اند. آنها در چند روز گذشته
 بقیه در صفحه ۶

مراحمه در برابر آنها تبدیل شده بود، از
 پیش پا بردار ننند و ایما را یکدستی و
 یکخواختی بیشتر از حکومت، خلق
 قهرمان ما را در مقابل و حتی گسری و
 شقاوت مزدوران خود قرار دادند.
 حزب جمهوری اسلامی در شنبه، سرخ
 تهران، آنجا که پای سرکوب فیزیکی
 نوده ها و نیروهای انقلابی در میان بوده
 است، در هیئت ارباش و اراذل اله
 در خیابانها عریده کشیده و با انسرواع
 سلاحهای سرد و گرم به کشتار و سلاخی نظامی
 کنندگان و مردم حمایت کننده پرداخته،
 در لباس "خواهران زینب" به تعقیب و
 مراقبت عنا صرفعال انقلابی مشغول
 بوده، در انقیاد و بر ما رگسار
 گلوله، دهها نفر از نظام هر کشتگان و
 مردم بی سلاح قتل عام کرده، و در احکام
 شرع دادگاههای با صلاح انقلاب ۱۵۰ تن

شهر لاهجان از روز ۲۱ خرداد وارد مرحله نازهای شد. یکی از هواداران معاهد بینا نیروی شه آرمیگنا بحرب جمهوری شروع گفت. رسی و حتمکنش در نوبه سگی خانه اش واقع در محله پردیس هدف گلوله های پاداران جنا سنگا رفرا و گرفت و جسان ساخت. روز بعد در گورستان شهر ۵۰ هزار نفر در حالیکه با ختم و گنجه قلبه عرب جمهوری نما می دادند بیگوارا بن شهسده خلق را خاک سپردند. روزهای بعد ضمن مقاومت انقلابیون و موح و جنگگری و دستگیری مزدوران حری ادا به داشت. پاداران و جمافداران به خانه های انقلابیون حمله می کردند مردم بغرت خود را با هو کردن پاداران نشان می دادند. زنان از بدین صحنه های و ختمگرهای مزدوران حری شدت منا تر شده و گریه می کردند.

رایت: در شهر رشت، راهبمائی های

موصی نیروهای انقلابی در هفته گذشته شکل گرفت. روز ۲۶ خرداد، جوانی در محله دکتر حتمت با جابو حزب الهی ها شدت مطروبت شد. قلوب مردمی که می دانستند این جوان راه جرم هواداری از نیروهای انقلابی است و روحش با جابو زده اند، بغرت از حزب و مزدورانیش بپرگرد. ختم مردم از حرکات و ختم به این مرد و زن حری سرا گنجه شده بود. روز ۲۷ خرداد، پاندر حزب الله به میان جمعیت نما هر گنجه در محله دکتر حتمت، یک به راهی پرتاب کرد که باعث رخمی شدن یک تن از هواداران معاهد بینا گردید.

اکسون پس از دو هفته و حتی گری و سمعیت رژیم در سرکوب اعتراضات توده ها به تنها که حتی با فته بلکه بیش از پیش شدت یافته است. حزب که در طول این دو هفته، بارها جهره کریه و صد مردمی خود را در خیابان ها در هیبت اویاتان مزدور خود به مردم نشان داد است. از آنجا که به سرعت و بیش از پیش آماج خشم و بغرت آنان قرار می گنجد. ختم و سرکوب را تشدید کرده است. اکسون تنها مفاومت یکبار چه و متحد نیروهای انقلابی و مردم متوانند این توطئه خونسین سرکوب را درهم بشکند.

مردم، تعدادی حزب الهی از رشت تسبیح گرد که در زمین آنها فقط یکی، دو نفر سرگوشی بود. آنها با سرگوشی در صبا تا آنها هر چه می دیدند و می شنیدند، روز یکشنبه ۲۴ خرداد در تبلیغات نیروهای انقلابی تا در سطح شهر را پوتاسند. اویاتان حری مونور سواری در هم شکستن اجتماعات مردم پوتاکتون های

اویاتان حزب و از مدینه شد. هوا ملخرد و حزب به هر کسی که جکتر تن طنی می بردند، و ختما به سوش عیله و می شدند. مردم که از بدین این رفقا و خداما شی ختمگس بودند، از سزا و خورا صمیت به حزب سیش از پیش اسرا می کردند. زووشتمه خوشش های انصرامی و عبت

گیلان: نظاهرات اعتراضی...

سخت، مواد آتش را شی را که حاوی و یا جمه سونسوی تحمات مردم پرتاب کردند. در جریان این حملات ۸ تا ۱۰ نفر زخمی شدند. جددنفه ای پس از آن، راه کارگر و معاهد بین و سایر نیروهای انقلابی در یک راهبمائی شی شرکت حتمت که با استعمال مردم و جماعت مزدور و سرگرددند. روز دوشنبه سیزگسه با ستن تعداد زیادی از مغازه ها، اعتراض خود را آشکار کردند. همین روز، ساعت ۶/۵ راهبمائی با شرکت انقلابیون و مردم انجام گرفت. پس از آنجا مرا راهبمائی شی، اویاتان حری در خیابانها به راه افتادند و گوشیدند با صدای شلیک نیرو و افکار همه جا به گوش می رسید. افکار رعب و وحشت با ادا گنجد ولی همان بقدر که مردم از نظاهرات نیروهای انقلابی استقبال کردند، سمیت به حرکات و ختم به جمافداران اسرا زخمی می نمودند. روز سه شنبه ۲۶ خرداد سیر فداره سندان با حمله به جمع ها و عا بریس و جنگری جنون آمیز خود را نشان دادند. آنها به ضرب دشته سینه جوانی را از هم دریدند و در گذران را با رگیک تریس الفاظ مورد توهین قرار می دادند. مردم با گشودن درب خانه ها نشان به روی انقلابیون حمایت و همسنگی خود را اسرا میدادند. در پورش اویاتان به مبارز انقلابیون هم، مفاومت قابل تحسین همسایگان و مردم محل حزب الهی ها را به عفت شینی و ادا می کرد.

ایلیجان: در کمر بهای پراکنده در سطح

گرفت و نظاهرات نیروهای انقلابی از به نقطه شهر آغازند. مزدوران حری با و ختمگری به موقوف راهبمائی حملت کردند و با دشته و قمع بر چتر جماعتی ساه به حملات ریختند. آنها به خانه های انقلابیون که از قبل شنا سائی کرده بودند حمله می کردند. مردم با بدین این و ختمگرها جماعت خود از نیروهای انقلابی را گمترش دادند. سوخوانسان سیر حرکت ما شین سباه راهبمائی سیر کمندگان اطلاع می دادند و در سیر عمسور انومبیلهای سباه میخ می پاشیدند. ساه با عت بجزری آنها بود. هنگا میکه خانه انقلابیون مورد پورش قرار می گرفت، مردم بدل به دعوی قابل ستایش فهرومانه از فهرومان مبارز خلق، در سیرا بر پاداران و جمافداران پشتیبانی می کردند. زنان محله خود را اسرا انقلابیون و دها شی های سباه می نمودند. در یکی از صحنه های مفاومت با پاداران برای تیرا سداران براسوشتمت دولی عده ای از مردم جلو آمده و گفتند حالایرسید! روز یکشنبه ۲۴ خرداد سیرا راهبمائی و مفاومت از طرف نیروهای انقلابی ادا می داشت. هواداران راه کارگر در یک راهبمائی گا هگرا که به در خانه های زحمتکنان روستا شده بود آنها اعلامیه دادند. شمار این موج سرکوب حزب به همت توده ها درهم گنجه میشود. راهبمائی ان، با شویق سائی که در تالیرا رشت گره کرده خود را سالا می بردند، روز سه شنبه ۲۵ راهبمائی علیر عم تلشهای خاشانه، سازنکاران جناح راست اکثریت سا زمان فدا شیی برای سپاشی سر علیه نیروهای انقلابی با استقبال مواجه شدند و نشان داد که چگونه توده های مردم خاشان را از موقوف خود سیرون می اندازند. در کبری در محفل لنگر و در روز دوشنبه نیز ادا می یافت. در جریان این در کبری، حزب الهی ها با سنگ سیر به روی مردم تلیک کردند و مردم ختم خود را با پرتاب سنگ بروی سیر ارا دل پاسخ گفتند.

کوچمفهان: اعتراضات نیروهای انقلابی

علیه موجهام گنجه، سرکوب، از روز شنبه و ختم، نظاهرات و پخش اعلامیه و بحث و سخنرانی آغاز گردید. هواداران "راه کارگر" شمارها رچه ای بررگی را با مضمون "هر چه رسا تیرا دفرا د زحمتکنان علیه حزب جمهوری" در یکی از خیابانها نصب کردند. فعالیته راه کارگر و معاهد بین و سایر نیروهای سیکلی چشمگیر در شهر ادا می یافت. مردم از این فعالیته و تبلیغات وسیع استقبال می کردند. بطوریکه جمافداران کاملا مطرود و منروی بودند، تا آنجا که حزب برای سرکوب -

یاد پرشکوه

۷ کارگر شهید شهر صنعتی البرز جاودانه باد!

تشدید سیاست ترور و سرکوب و حکومت نظامی آشکار رژیم توده ها و انقلابیون در سراسر کشور به مفاوله با آن پرداخته اند. در فهروسین و هینگام مبارزه کارگران با آن، چنین ما بعده است. اف ساری را بر قلوب مردم میهنمان بحای گذاشت. با دیر شکوه کارگران فهرومان فهروسین را که در روپا روشی با پاداران و نظام سرما به داری وابسته و در همسنگی با مفاوزات توده های سراسر کشور بشهادت رسیدند همسوار جاودانه باد.

پورش جمافداران مزدور مسلح حزب جمهوری اسلامی به نظاهرات اعتراضی و شکوه مند کارگران شهر صنعتی البرز منحر به شهادت دلبران ۷ کارگر فهرومان گردید.

کارگران فهروسین در همان سنگری بشهادت رسیدند که طبقه کارگر ما در طول تاریخ مفاوزات خود را بهای با ردفه مایم، در اعما با ت خوین جهان جیت، کوره پزخانه و... در آن منگر به سدری است. روعارت و ستم طبقاتی پرداخته است.

برای هموار کردن...

حزب جمهوری اسلامی وقتی خود را در انزوا می بیند و وقتی این انزوا سرعت می گیرد و وقتی نیز می شود هیچ راهی جز سرنگ کردن و اعمال سرکوب آنگاه روگسترده باقی می ماند.

سرکوبان روی رئیس جمهور و ولین گام اعمال این سیاست است. با سرکوبان ریاستی صدر حزب اکنون بر آنست که نیروهای انقلابی را مستقیماً با ماح حملات سخنان خود قرار دهد.

اما نظرات قهرمانان نه تنها سرخ مردم و نیروهای انقلابی در اعتراض به استبداد دسیاسی که حزب جمهوری در صدر قرار می نهند و جناحی است که رژیم در امور آنها مداخله می نماید و حتی نه و مدتی فرود می آید و روزی هم از راهی که باقی نمانده است از راه حقیقت بر حومه برده برگردد.

اول اینکه حزب جمهوری و آیت الله خمینی با سرکوبان استبداد که برای حفظ پایه ها حکومت خود را از طریق سرکوبان و غیرانسانی ترین شیوه ها سرکوب و آدم کشی و مصلحت طلبی نمود. دوم اینکه مردم و نیروهای انقلابی هرگز اجازه نخواهند داد که حزب استبداد سیاست بر مردم ما تحمیل کند. مردم ما اکنون و بتدریج خودی درمی یابند که راه مقابله با حزب جمهوری و سلطه استبداد او را با بستن دروازه انقلابیون معا هد و کمونیست جستجو کنند.

با سرکوبان ریاستی جمهور کشتن سرخ حزب و کمونیست ها یا انقلابیون بوده مردم مستقیم تر و شدیدتر از هر زمان دیگر خواهد بود. از این رو ضروریست با تمام قوا به مقابله با تمام تلاشهای هر چینی حزب جمهوری برخاسته و به شکل آن را درهم بشکنیم.

با مصلح شهدای حزب الله، بر اطهارات خود مهربان نبیندند.

قماوتی که مزدوران حزب سی در شنبه، سرخ تهران برای سرکوب و کشتار نظامی هر کسندگان انقلابی و مردم حمایت کننده بکار بردند، بکار دیگر نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی بر روی سر نیزه نهشته است و با تمام قدرت جهانی خود در جهت تحمیل محدود استبداد دسیاسی او را بهی بر مردم میهن ما می کشد. استبدادی که در سایه نوم آن، سرمداران حزبی بتوانند بدون دغدغه خاطر به انعقاد پی در پی قرارداد های امپریالیستی چون تألیف و تالیف بپردازند و سودهای بی حساب کلان تراز ۱۲۰ میلیار تومان، نصیب سرما به داران کنند و جنگ تحمیلی عراق را نظیر امتحان گروگانها به حساب برسانند، استبدادی که در سایه نوم آن لاشخوران حزبی در گورستان خا سوش ایران به جستجوی احسان انقلابیون و توده های مبارز برخیزند.

درنده خوبی و شقاوتی که در شنبه، سرخ تهران صدها هزار نفر را هتد آن بودند. تنها مقدمه، علائم اولیه و نمونه های کوچکی از آن شیوه های استبداد است که در صورت موفقیت حزب جمهوری اسلامی در ادامه، سرکوب و اختناق کنونی در آینده، در انتظار همه، کارگران و زحمتکشان میهن ماست چنین آینده، شومی را پیش از آنکه مجال ظهور یابد، باید در هم شکست.

خمینی و حزب اگر سرعت اقدام نمی کردند نمی توانستند بر او تسلط یابند. او ولین گام برای کنترل او فاع و کشتار گذاشتن ضروریست جمهوری بود. لیسوالها نه وزن و اعتباری داشتند که حزب از جانب آنها احساس خطر کند و نه همچون سی صدر می توانستند به راه ای زشعا راهی مردم را بهر دلیل یا خود حمله کنند. و علاوه بر این با کما رکداش خود بشی صدر لیسوالها بر سر نه تسلیم نمی شدند بخش موثری هم نمی توانستند داشته باشند.

برای کما رکداشتن بشی صدر مجلس جمهوری اسلامی که ظاهر هم مجلسی با نوبی بود و هم معرفی راده، فقیه نما سترترین ابرار بود. مجلس در تمام مفاطم حساس نشان داده بود که مجلس ولایت فقیه است و در مقابل هر آن چیزی که خطری متوجه نظام جمهوری اسلامی بکند، مناسبتی و سلبه فاع نوبی سرکوب است. ما به شوم استبداد حزب جمهوری و ولایت فقیه بر مجلس همواردها کم بود. بنا بر این طرح سرکوبان ریاستی صدر از سیاست جمهوری در این مجلس سرعت طرح و تصویب شد.

استبداد و اختناق وقتی با به حکومتی را تشکیل می دهد برای اینکه بتواند حتی برای مدتی ادامه داشته باشد، بطور مداوم و سرعت با به سلطه همه جا تنه ای می کشد. وقتی بنا دنا رفا بشی و اعتراضی می شود ایضا به این حد گسترش یابد است. سرکوب عربان و آشکارا تنه راه مقابله با آنست.

است. بنا بر این میبایست قبل از هر چیز بر سر قدرت برداخت. حزب جمهوری تکلیف نیروهای انقلابی به بردارن با کما سبهای امپریالیستی قرارداد های امارت امپریالیستیک آوردن کند، با با ساس مومسانی مثل سازمان اقتصاد اسلامیست بر ما به داران و اشتغالگران را در اشتغال روفات دستنوج زحمتکشان بگشاید. اما دست زدن به اعمال در شرایطی که توده های فخرها با خلق ۲۸ ماه پیش قیام شکوهمند بهیمن را با هدف بر ما به داران غارتگر و امپریالیستهای صیالگرو... فریبند چگونه ممکن است؟ حزب جمهوری میداند که پیش بردارن سیاستها بدون وجود اسام و تمرکز قدرت در میان حکومتگران ناممکن است. وجود تکلیف در میان حکومتگران قاطعیت و سرعت لازم برای مها رحرکتها ی اعتراضی و امواج ناراضی عمومی را از زمین می برد. بویژه اگر توجیه کنیم بشی صدر مدتها بود بهر دلیل روی راه ای زشعا رها و حواسنها ی مردم در مقابل حزب جمهوری تا کید می گردید به این ترتیب در گیتی میان حزب و بشی صدر روزنه ای را می کشد که خشم و انزجار رسوده ها از حزب از درو یان بیرون می چید و حزب جمهوری را بیش از پیش در روبا روئی با مردم در مانده ترمی گرد.

تنها از طریق مسدود کردن این روزن ممکن بود ولو برای مدت کوتاهی هم که باشد، از سرریز شدن نیرو و انرژی توده ها علیه حزب جلوگیری نمود.

تکلیف در میان جناحهای حکومت به بروز قیامی مثل چهارده اسفند منجر می گردید و وقتی حزب جمهوری و منفورترین چهره آن یعنی بشی صدر، با چشمان حیرت زده فریاد مرگ بر بشی صدر جمعیست چندین هزار نفر را می شنید، عرق مرگ بر چهره اش می نشست.

امابشیت، رفسنجانی، رجائی و... تنها کسانی نبودند که به این ترتیب در معرض خشم و نفرت توده ها قرار می گرفتند. خمینی نیز بتدریج خطر را نزدیک می دید. بنا بر این آخرین تلاشها انجام گردید تا از طریق وادار کردن بشی صدر به تن دادن او به سیاستهای حزب و با دستکم در پیش گرفتن سیاست سکوت، تکلیف در حکومت را از بین ببرند. لیکن بشی صدر احساس می کرد که تن دادن به سیاستهای حزب اولاً بلافاصله نفوذ او اعتبار رسوده ای خود را که درست بدلیل همین استبدادگی و پیش آنسرا بدست آورده بود از بین خواهد برد، ثانیاً این سیاستها سرعت و بی شکل حادی مردم را به مقابله روبا روی با ساس رژیم جمهوری اسلامی خواهد گشاید. وظیفه ای است در این روبا روئی رژیم هرگز قسادر نخواهد بود قدرت توده ها را از آنها رکنند. از اینرو با مخالفت او در گیتی ها ادامه پیدا کرد و شکاف گسترش یافت. آیت الله

شنبه خونین...

هر آنچه را که خود انجام داده و صدها هزار مردم تهران تا هتد آن بودند، با وقاحت تمام به انقلابیون نسبت دادند و تسلط آیت الله خمینی به سازمانندگان

رای مردم یا رای مجلس؟!

پاریس ۲۰ آبان ۵۷

آیت الله خمینی، "مجلس وقتی را" ملت نباشد، مجلس نیست

جماران ۴ خرداد ۶۰

"مجلس اگر رای داد و شورای نگهبان هم آنرا پذیرفت، هیچکس حق ندارد

یک کلمه را جمع آن بگوید... این

فساد است و مفید است و یک همچو آدمی تحت تعقیب مفسدی لایزال باید

قرار بگیرد... زینش بر زحرام است، امواتش با بد میا دره شود و خودش معتول گردد"

ننگ و نفرت بر حزب جمهوری اسلامی، عامل اعدام جنایتبار کمونیستها و دیگر انقلابیون